

با چشم باز

۴



■ جلد هشتم: مافارلین
■ فاطمه علیزاده

این مجموعه، قدمی کوچک و آغازی است برای این آگاهی. دوازدهم فروردین، کودتای نوزده، بنی صدر، هفتم تیر، هشتم شهریور، طبرس، کردستان، مافارلین، جمعه خونین مکه و سلمان رشدی، مواردی هستند که در این مجموعه بدان‌ها پرداخته شده است. در این کتاب که جلد هشتم از مجموعه «با چشم باز» است، ماجرای آزاد کردن گروگان‌های آمریکایی در لبنان توسط ایران و درخواست سلاح از آمریکا بررسی شده‌اند.

گذرستان

۵



■ ماجرای مافارلین
■ موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی

بیست‌وهشتمین شماره نشریه الکترونیکی «گذرستان»، به موضوع ماجرای «مافارلین» اختصاص یافته است. «ماجرای مافارلین چه بود؟»، «سفر مافارلین به روایت یک شاهد عینی»، «پشت‌پرده ماجرای مافارلین در گفت‌وگو با علی هاشمی‌رفسنجانی»، «مافارلین چگونه لورفت؟»، «ولایتی: از ماجرای مافارلین خبر نداشتیم» و... برخی از مقاله‌هایی هستند که در این شماره بازتاب داده شده‌اند.

جنایت‌های یک رئیس‌جمهور یا ...

۶



■ انتشارات علم
■ ۱۳۷۵

ماجرای ایران-کنترا که به ماجرای مافارلین و ماجرای «ایران گیت» نیز معروف است، یک رسوایی سیاسی است که در ایالات متحده آمریکا از ۲۰ آوت ۱۹۸۵ تا چهارم مارس ۱۹۸۷ (۲۹ مرداد ۱۳۶۴ - ۱۳ اسفند ۱۳۶۵) به‌مدت یک‌سال‌ونیم، در دور دوم ریاست‌جمهوری رونالد ریگان رخ داد. مقامات دولت ریگان به‌طور مخفیانه، با فروش تسلیحات به ایران، که در تحریم تسلیحاتی بود، کمک‌رسانی کردند.

کتاب‌های خاطرات مرحوم هاشمی‌رفسنجانی به خاطر می‌آوریم. بدین ترتیب کتاب «ماجرای مافارلین؛ فروش سلاح و آزادی گروگان‌ها» نخستین کتاب از مجموعه کتاب‌های دفتر نشر معارف انقلاب است که جدای از خاطرات مرحوم هاشمی‌رفسنجانی منتشر شده است. دلیل اصلی پرداخت جداگانه به این موضوع نیز به وعده‌ای بازمی‌گردد که خود مرحوم هاشمی‌رفسنجانی در مقدمه خاطرات و روزنوشت‌های سال ۱۳۶۴ با عنوان «امید و دلواپسی» داده و نوشته که در آینده روایتی کامل از ماجرای مافارلین باید آورده شود؛ وعده‌ای که توسط پسرش محسن به سرانجام رسید. محسن هاشمی درباره این کتاب می‌گوید: «ماجرای مافارلین از تابستان سال ۶۴ شروع می‌شود و تا اواخر سال ۶۵ ادامه می‌یابد. آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی در روزنوشت‌های سال ۶۴ و ۶۵ خود به این مسائل اشاره دارد اما روایت جزئیات دقیق‌تر این ماجرا نیازمند کتابی مستقل بود، تا تمامی ابعاد این رخداد تاریخی و مهم واکاوی شود.» او نبود روایت دست‌اولی از سوی ایرانیان درباره این ماجرا را دلیل دیگر تحقیق و نگارش برای این کتاب می‌داند و می‌افزاید: «چند روایت از این ماجرا از سوی کمیته‌ای که در آمریکا مسئول تحقیق در این زمینه بودند، انجام و منتشر شد که کتاب «گزارش تاوور» از جمله آنهاست اما تاکنون کتاب و گزارشی جامع از سوی طرف ایرانی درباره ابعاد و زوایای مختلف ماجرا عرضه نشده بود که ما در این کتاب تمامی ابعاد ماجرا را شکافته و سعی کردیم به پرسش‌هایی که در این چند سال درباره این رخداد مهم در افکار عمومی ایجاد شده بود، پاسخ دهیم.» به گفته محسن هاشمی، کتاب «ماجرای مافارلین؛ فروش سلاح، آزادی گروگان‌ها» بازگویی و شرح دقیق ماجرای است که در یک سوی آن، ایران قرار داشت که به منظور دستیابی به مهمات و سلاح‌های ویژه، در کنار ملاحظات انسان‌دوستانه، به رهایی گروگان‌های غربی در لبنان کمک کرد و در سوی دیگر، برخی از شورای امنیت ملی آمریکا قرار داشتند، که کوشیدند با هدف آزاد کردن گروگان‌های مذکور، به ایران سلاح خارج از رده و انباری بفروشند. بعدها مشخص شد که عواید آن را صرف کمک به کنتراها-مخالفان دولت انقلابی نیکاراگوئه- کرد؛ در این میان نیز واسطه‌ها با هدف کسب سود یا شاید هم کمک به ایران یا آمریکا وارد صحنه شدند که افشای این ماجرا به بحرانی منجر شد که روزنامه‌نگاران در آمریکا ابعاد آن را با ماجرای واترگیت سنجیدند و بر آن عنوان «ایران گیت» گذاشتند. نویسندگان کتاب حاضر کوشیده‌اند یک روایت دقیق و مستند محض بدون دخالت مسائل سیاسی داخلی و خارجی از این ماجرای «ایران گیت» تدوین کنند. بنابراین محققان با خواندن و رویت این ماجرا به راحتی می‌توانند مسائل مطرح‌شده متعدد و متنوع را با این مستند محک زده و صحت و سقم آنها را دریابند. نویسندگان بر آن هستند که یکی از وجوه متمیزه این کتاب، روش تحقیق علمی و تحقیق میدانی دقیق است که در دیگر آثار با موضوعیت مافارلین مورد غفلت قرار گرفته است. تا جایی که در این تحقیق مشخص شد برخی از مطالب که در گذشته به‌عنوان سند دست‌اول و منبع قابل وثوق مورد استفاده قرار گرفته بودند، اقدامی برای پوشش اغراض سیاسی در پس آن بوده‌اند. برای مثال، به نامه قربانی فر می‌توان اشاره کرد که با واکاوی آن، بسیاری از نقاط مبهم که دستاویز سیاسی قرار گرفته‌اند را روشن می‌سازد.

دیدار آن افراد نیز گفته می‌شود به‌اصرار مافارلین بوده است. هاشمی‌رفسنجانی عنوان کرده است: «مدت پنج روز مکرراً به درخواست‌های رابرت مافارلین مبنی بر ملاقات با یکی از مسئولان رده‌بالای ایران پاسخ منفی داده می‌شد.» او همچنین نوشته است که به‌اصرار آن‌ها تصمیم گرفتیم دکتر هادی به مذاکره با هیات آمریکایی برویم. نجف‌آبادی گزارش داد که مافارلین نه تنها ناخشنود بود، بلکه آزرده خاطر هم شده بود که چرا مقامات بالاتر با او دیدار نکرده‌اند و هدیه را نپذیرفته‌اند. نجف‌آبادی ادامه داد که مافارلین خشمگین اعتراض کرده بود که اگر فقط برای خرید لباس تهیه‌شده از پوست گربه وحشی به روسیه می‌رفت، گورباچف روزی حداقل دو بار با او دیدار می‌کرد! هاشمی‌رفسنجانی مدتی بعد در خصوص این دیدار در گفت‌وگویی مطبوعاتی بیان داشت: «مساله مافارلین عمق اصالت سیاست خارجی ایران را نشان داد. ما هرگز با آمریکایی‌ها وارد بحث‌های استراتژیک نشدیم.» برخی عنوان می‌کنند که حسن روحانی، رئیس وقت کمیسیون دفاع مجلس شورای اسلامی نیز با مافارلین دیدار کرد، اما بسیاری از منابع و نیز چندی پیش نیویورک‌تایمز عنوان کرد که حضور روحانی قابل تایید نیست.

ایران در ماجرای مافارلین چند محموله تسلیحات نظامی از آمریکا دریافت کرد که برخی از آن‌ها از اسرائیل ارسال شد. محسن هاشمی گفت: «بخشی از شش محموله تسلیحاتی تحویل شده به ایران، مربوط به سلاح‌های انباری در اسرائیل بوده که بدون اطلاع ایران از اسرائیل ارسال شده بود که پس از کشف موضوع توسط تیم مهندسی جنگ این سلاح‌ها عودت داده می‌شود؛ اختلافی نیز در مورد قیمت محاسبه‌شده وجود داشت که موجب می‌شود، ایران بخشی از مطالبات قربانی فر، به‌عنوان واسطه معامله را نپردازد.» هر همچنین موشک‌های تاو هم معیوب بودند. هر چند کنگرلو و برادرزاده هاشمی‌رفسنجانی (علی هاشمی‌رفسنجانی) گفته‌اند که تسلیحات معیوب نبودند، اما علی شمشخانی با استناد به اعتراف آمریکایی‌ها گفت: «اظهارات مقامات آمریکایی در خصوص واگذاری موشک‌های تاو معیوب به ایران در جریان ماجرای مافارلین، اعتراف به فریب کاری و دروغ‌گویی است و مهر تایید مجددی بر غیرقابل اعتماد بودن آمریکا است.»

ماجرای مافارلین تا نیمه سال ۶۵ و تا زمانی که این روابط توسط یک روزنامه لبنانی فاش شد، ادامه داشت. هفته‌نامه الشراع لبنان در روز ۱۲ آبان ۶۵، خبری از سفر مقامات آمریکایی به تهران منتشر کرد که گفته می‌شود آن خبر توسط مهدی هاشمی و بیت آیت‌الله منتظری به آن رسانه داده شده بود. مقامات آمریکایی تکذیب کردند اما هاشمی به دستور امام ماجرا را افشا کرد. در هر صورت، نقش هاشمی‌رفسنجانی در ماجرای مافارلین غیرقابل نادیده گرفتن است و به همین دلیل فرزندش، محسن کتابی را با در نظر گرفتن خاطرات هاشمی درباره ایران گیت به رشته تحریر درآورده است. اما اهمیت این کتاب که با عنوان «ماجرای مافارلین؛ فروش سلاح و آزادی گروگان‌ها» نام‌گذاری شده، چیست؟

واقعیت این است که محسن هاشمی‌رفسنجانی و حبیب‌الله حمیدی در یک پژوهش دوساله ابعاد ماجرای مافارلین را در کتابی با عنوان «ماجرای مافارلین؛ فروش سلاح و آزادی گروگان‌ها» آورده‌اند که از سوی دفتر نشر معارف عرضه منتشر شده است. نشر معارف را بیشتر به خاطر انتشار



کتاب «ماجرای مافارلین؛ فروش سلاح و آزادی گروگان‌ها» نخستین کتاب‌های دفتر نشر معارف انقلاب است که جدای از خاطرات مرحوم هاشمی‌رفسنجانی منتشر شده است. دلیل اصلی پرداخت جداگانه به این موضوع نیز به وعده‌ای بازمی‌گردد که خود مرحوم هاشمی‌رفسنجانی در مقدمه خاطرات و روزنوشت‌های سال ۱۳۶۴ با عنوان «امید و دلواپسی» داده و نوشته که در آینده روایتی کامل از ماجرای مافارلین باید آورده شود؛ وعده‌ای که توسط پسرش محسن به سرانجام رسید